



بنیامن طالبی

برنامه‌ای تکرار ناشدنی با چهره‌های تکرار نشدنی

گلهای جاویدان با حضور گلهای سرسبد «صدای طالبی»

هنر اصیل ایران در لندن

هفت شهر عشق را عطار گشت تا به لندن رسید و شبی چون افسانه‌های هزار و یک شب را در کتاب چهره‌های افسانه‌ای چند دهه اخیر ایرانیان سپری کرد.

روزگار غریبی است نازنین، هنوز است زنگوله خاطرات دلت هر لحظه صدا می‌کند و پژواک طنین (یادش به خیر) ترا به گذشته وصل می‌نماید.

اون روزا که بچه پاپتی‌ها و یقه چرک‌ها هم کفتر دلشون بی‌مرزو بوم هرجا می‌خواست می‌پرید و واسه عاشقی شاه و گدا، دارا و ندار فرقی نداشت، اون جعیه جادویی نازه از فرنگ رسیده که اولش رادیو بود بعد هم تلویزیون شد همه را دور خودش جمع می‌کرد تا آدمهایی از ما بهترین - مثل قصدهای شاه پریون به خونه‌های بیابن و واسمهون بیو خوش گلهای جاویدان را بیارند.

عجب عشقی داشت اون صدایها، انگاری مثل روحی عاشقانه تو تمام وجودت نفوذ می‌کرد با صدای موسیقی، شعر، آواز سفرها می‌کردیم و هر کس تو خیالش با یارش همسفر می‌شد.

ما رند و خرابات و مستیم پوشیده چه گوینم همینه که هستیم و شراب تاب خلسه آور صدای اکبر گلپایگانی بود و کلمه‌های جادویی صدای فخری نیکزاد در برنامه گلهای جاویدان که الحق جاویدان بود و جاویدان ماند و جاویدان خواهد ماند.

روزگار غریبی است نازنین هنوز عطر جادویی گلهای جاویدان روحت را نوازش می‌کند و عجب مرد بزرگی بود داد پیرنیا که نهال هنر موسیقی اصیل ایرانی را در برنامه گلها کاشت و نهال دیروز او سایبان و چتر اعتبار غنای هنر موسیقی امروزه‌است. دهانت را می‌بیند می‌ادعا کفته باشی دارم، نفست را می‌شمارند که می‌ادعا عاشقانه به سوی معشوق به پرواز درآید، گویی از قفسن همه رها شده‌اند و زیر سقفی اینهمه فاخته دهان دوخته از یار و دیار گریخته به هم رسیده‌اند و شور و حال سوته دلان گرد هم آمدند را به تصویر کشیده‌اند! حتی باورش هم آسان نیست.

ناهید با صدای مخلی شعرهای تاب سرزمین خراسان و تراشه غروب کوهستان را چه زیبا و سوزناتک می‌خواند. غم و غمde توی قلبم خونه کرده، ای خدا دلم پر درده... او هم مسافر این سفر جادویی بینای توی است. آذر پژوهش و صدایی که ترا در آغوش نرم واژه‌ها رها می‌کرد و چه زیبا شعرها را بیان و معنا می‌نمود. خیالی بود و خوابی، و ممل یاران شب مهتاب و فمل نوبهاران و این صدای سروش ایزدی بانوی دیگر از خوش الحاثان باغ عاشقان موسیقی است که می‌خواند

فیروزه امیرمعزی صدای طالبی گلهای جاویدان هم کلیم خاطرات ما را با بیان کلمات بهم می‌بافد و عجب هنرمندانه بیان می‌کند. هنوز نگاهم بر منفه آگهی این برنامه باورنگردی خیره مانده است. این لشگریان فیروزمند دروازه‌های قلبهای میلیونها ایرانی، همه با هم در یک شب و زیر یک سقف، عجب شب زیبا و باشکوهی بود! به بانی و مبتکر چینن گردهمایی هایی چون جمیل خرازی باید هزاران آفرین و خسته نباشید گفت که در روزگاران حراج عاطفه‌ها و معرفتها و میراث‌های تاب، کسانی هم پیدا می‌شوند که سخاوتمندانه سفره دلشان را با عاطفه و مهر می‌گشایند و همه را به دور آن گرد هم می‌آورند.

